

طرح نامه کرسی ترویجی

عنوان: بررسی امکان پذیری درس پژوهی در دروس دانشگاهی

ارائه دهنده: دکتر عباس حبیب زاده^۱

ناقدان: ۱. سرکار خانم دکتر طیبه توسلی^۲ ۲. جناب آقای دکتر رضا جعفری هرندی^۳

زمینه:

امروزه در دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی فعالیت های آموزشی اساتید و فرایندهای آموزش و یادگیری در کلاس درس که به شاگردپروری و پایه گذاری بنیادهای دانش در دانشجویان منجر می شود و به عنوان یکی از رسالت های اصلی و عمده دانشگاه ها تعریف شده است، توجه کمتری مبذول می شود. به نحوی که قوانین و مقررات ترفیع و ارتقای استادان، بیشترین سهم را به فعالیت های پژوهشی آن ها می دهد و شنیده می شود که اعتقاد دارند کلاس درس و فعالیت های آموزشی آن اهمیتی ندارد و به طور معمول پیش می رود، آن چه مهم است فعالیت های پژوهشی است. علی رغم اهمیت قابل توجه فعالیت های پژوهشی ولی فدا کردن آموزش با توجه به نقش قابل توجه آن در مراکز آموزش عالی فرجام خوبی را به دنبال ندارد. روش درس پژوهی^۴ به دنبال کیفیت بخشی فرایند آموزش و یادگیری به منظور رشد و ارتقای معلمان و دانش آموزان در نظام آموزش و پرورش بوده است. در این طرح تلاش می شود ضمن معرفی آن به امکان پذیری تسری آن به آموزش عالی، دانشجویان و استادان پرداخته شود.

روش:

فرایند درس پژوهی بدین شکل است که گروهی از معلمان (۳ تا ۱۶ نفر) که موضوع واحدی را در پایه مشخصی تدریس می کنند (مثلاً ریاضیات سوم ابتدایی) دروسی را که خود در آموزش آن ها مشکل دارند یا دانش آموزان در یادگیری آن ها با مشکل مواجه هستند، انتخاب می کنند و به طور مشارکتی در جلساتی که ممکن است ماه ها به طول انجامد برای آن ها طرح درس هایی را تهیه می کنند. البته در این گروه ها معمولاً یک متخصص دانشگاهی، یک معلم با تجربه در درس پژوهی و احتمالاً مدیر مدرسه نیز حضور دارند. در مرحله بعد یکی از معلمان گروه به منظور اجرای طرح درس تهیه شده توسط گروه در کلاس درس خود، به طور داوطلبانه اعلام آمادگی می کند. در روز و ساعت مشخص شده معلم مزبور در کلاس درس واقعی خود شروع به اجرای طرح درس تهیه شده می کند و بقیه اعضای گروه به طور فعالانه کل فرایند آموزش و یادگیری را رصد می کنند و هر یک نقشی را بر عهده می گیرند. ضمن این که تمام فعالیت ها تصویربرداری می شود.

^۱ دکترای روانشناسی تربیتی و عضو هیئت علمی دانشگاه قم

^۲ دکترای فلسفه تعلیم و تربیت و عضو هیئت علمی دانشگاه قم

^۳ دکترای برنامه ریزی درسی و عضو هیئت علمی دانشگاه قم

پس از پایان آموزش معلم و حل تمرین‌ها، که همگی مبتنی بر طرح درس تهیه شده توسط گروه می‌باشد، اعضای گروه تشکیل جلسه می‌دهند و تمامی مشاهدات مستند و دقیق خود را ارائه می‌کنند و در صورت لزوم دفتر تمرین دانش آموزان یا فیلم های تهیه شده مورد بازبینی دقیق قرار می‌گیرند. بر اساس تمامی مشاهدات و مستندات جمع آوری شده طرح درس قبلی مورد بازبینی و ویرایش قرار گرفته و اصلاح می‌گردد.

در ادامه طرح درس اصلاح شده، توسط معلم داوطلب دیگری در کلاس درس واقعی اجرا شده و تمام جزئیات اجرای اول در این جا نیز مورد توجه می‌باشد. این توالی تا جایی ادامه می‌یابد که طرح درس نهایی، به اذعان اعضای گروه و متخصص دانشگاهی بهترین و اثربخش ترین طرح درس باشد. در پایان نتایج درس پژوهی (طرح درس نهایی، روند اصلاحات صورت گرفته و دلایل آن، فیلم های تهیه شده) به صورت بسته های آموزشی در اختیار سایر معلمان و مراکز آموزشی و پژوهشی قرار می‌گیرد و همچنین در جشنواره‌ها و نمایشگاه ها جهت استفاده عموم عرضه می‌گردد.

توضیحات بالا خلاصه فرایند درس پژوهی بود که از طرف دانشمندان به مراحل جداگانه ای تقسیم شده است که در ادامه به طور مفصل به آن ها پرداخته می‌شود.

۱-۲-۱- مرحله اول: تشکیل گروه:

۲-۲-۱. مرحله دوم. تبیین مساله^۵. اساساً مطالعه درس یک فرایند حل مساله است؛ بنابراین مرحله اول به تبیین مساله ای اختصاص دارد که فعالیت گروه مطالعه درس را برانگیخته است و هدایت خواهد کرد. مساله می‌تواند یک سوال عمومی باشد (برای مثال برانگیختن علاقه دانش آموزان به ریاضیات) یا یک سوال جزئی تر باشد (برای مثال بهبود فهم دانش آموزان از چگونگی جمع کردن کسرهایی با مخرج های نامساوی). سپس گروه به مساله شکل می‌دهد و بر آن تمرکز می‌کند؛ به نحوی که بتواند در یک درس خاص کلاسی مطرح شود. معمولاً معلمان مساله ای را انتخاب می‌کنند که از فعالیت های خود به دست آورده اند یا برای دانش آموزانشان دشواری هایی ایجاد کرده است.

۳-۲-۱. مرحله سوم. بررسی و مطالعه موضوع. بیشتر گروه های تازه کار درس پژوهی بلافاصله پس از انتخاب موضوع و مساله به طراحی درس می‌پردازند. اما در درس پژوهی ایده آل و مطلوب مرحله بعدی مطالعه و بررسی بیشتر موضوع از طریق مطالعه کتاب‌ها، مقالات، و پژوهش های انجام شده است قبل از این که به طراحی درس بپردازند.

۴-۲-۱. مرحله چهارم برنامه ریزی و طراحی درس^۶. هنگامی که یک هدف یادگیری انتخاب شد، معلمان برای برنامه ریزی و طراحی درس تشکیل جلسه می‌دهند. اگر چه در نهایت یک معلم درس را به عنوان بخشی از فرآیند پژوهش تدریس خواهد کرد، ولی خود درس محصولی گروهی تلقی می‌شود. اغلب معلمان برنامه ریزی خود را با نگاه کردن به کتاب‌ها و مطالب تهیه شده توسط معلمان دیگر که مساله مشابهی را

^۵. defining and researching a problem

^۶. planning the lesson

مطالعه کرده اند، شروع می کنند. در این روش، همراه با تهیه طرح درس، این فرضیه در ذهن شکل می گیرد که طرح درس تهیه شده باید آزموده شود و در قالب تمرین کلاسی بر روی آن کار شود. در این جا هدف نه تنها تولید یک درس اثر بخش، بلکه درک چگونگی و چرایی کارکرد درس برای افزایش فهم مطالب در میان دانش آموزان است. اغلب برنامه اولیه ای که گروه تولید می کند، در جلسه ای برای همه معلمان مدرسه مطرح می شود تا به نقد در آید. بر مبنای چنین بازخوردی نسخه تجدیدنظر شده آماده اجرا می شود. این فرایند برنامه ریزی اولیه ممکن است چندین ماه طول بکشد.

۵ - ۲ - ۱. مرحله پنجم. آموزش درس و مشاهده آن^۷. برای تدریس و آموزش درس تاریخی تعیین می شود. یک معلم درس را آموزش می دهد ولی همه افراد گروه در آماده سازی آن مشارکت می کنند. شب قبل ممکن است گروه تا دیر وقت در مدرسه بماند؛ نقش هر یک از اعضا در کلاس درس تعیین می شود و زمینه های لازم برای اجرای موفق درس در شرایط واقعی مورد بررسی قرار می گیرد. در روز ارائه درس، معلمان گروه کلاس های خود را برای مشاهده درسی که تدریس خواهد شد، ترک می کنند (دو دانش آموز به عنوان کنترل کننده کلاس منصوب و مسئولیت کلاس را عهده دار می شوند). قبل از شروع درس، معلم ابتدا مشاهده گران را به عنوان یک گروه همکار به کلاس معرفی می کند، سپس آن ها با هم وارد کلاس می شوند. هنگام شروع درس، مشاهده گران در قسمت عقب کلاس می نشینند یا می ایستند، ولی زمانی که از دانش آموزان خواسته می شود سر جای خود تمرین کنند، آن ها قدم می زنند، کار دانش آموزان را مشاهده می کنند و همچنان که درس ادامه می یابد، از فعالیت دانش آموزان یادداشت بر می دارند. آن ها تصویری از طرح درس، نقشه نشستن دانش آموزان، و کارهایی که در کلاس باید انجام شود در دست دارند. در طول مشاهده، درس و یادگیری ایجاد شده ارزیابی می شود نه معلم. مشاهده گران به دنبال شواهدی درباره تفکر، یادگیری، یا سردرگمی دانش آموزان هستند. مشاهده گران از آن چه دانش آموزان می گویند، نحوه همکاری و مشارکت آن ها در فرایند آموزش، نحوه انجام تکالیف مربوطه، و ویژگی های فعالیت های انجام شده نکاتی را یادداشت می کنند. گاهی به منظور تجزیه و تحلیل درس و بحث درباره آن در زمان دیگر، از کلاس فیلم برداری می شود.

به طور سنتی بسیار مشکل است که معلم در حین تدریس سعی کند شواهدی از درک و فهم و یادگیری دانش آموزان جمع آوری کند، چون به گفته یک معلم ژاپنی یک درس شبیه یک رودخانه جاری است، پس در بیشتر موقعیت ها برداشت معلم از یادگیری شاگردانش براساس مشاهدات بریده بریده است. ولی در مطالعه درس چندین مشاهده گر جریان آموزش و یادگیری را رصد کرده و نمونه کامل و جامعی از یادگیری و تفکر دانش آموزان ارائه می دهند (سربین، ۲۰۰۹). این مشاهدات تمرکز دارد روی تفاوت آن چه گروه پیش بینی کرده و آن چه که اتفاق می افتد.

^۷.teaching and observing the lesson

هاپکینز (۱۳۸۴) با توجه به اهمیت زیاد مشاهده کلاس درس اصول زیر را برای آن مشخص کرده است:

۱. فضای تعامل بین معلم و مشاهده گران باید به دور از ترس و تهدید و یاری دهنده و اعتماد برانگیز باشد.
۲. کانون مشاهدات باید بر بهسازی نحوه ی کار در کلاس و تقویت راهبردهای موفق متمرکز باشد، نه آن که متوجه انتقاد از نمونه های ناموفق رفتار و یا تغییر شخصیت معلم باشد.
۳. فرایند مشاهده بر جمع آوری و کاربرد اطلاعات عینی تاکید دارد نه داوری های ارزشی ناپایدار.
۴. معلمان باید ترغیب شوند از اطلاعات به دست آمده درباره تدریس خود استنتاج کنند و از آن ها فرضیه هایی جهت آزمون در کلاس خود تهیه کنند.
۵. مشاهدات بعدی مبتنی بر مشاهدات قبلی است و همه آن ها یک فرایند مستمر پیشرونده هستند.
۶. مشاهده گران و مشاهده شونده هر دو درگیر یک فرایند پرورش حرفه ای هستند که نتیجه آن بهبود فرایند آموزش و یادگیری می باشد.

۶ - ۲ - ۱. مرحله ششم. بحث و بررسی پس از تدریس^۸؛ همان روزی که درس آموزش داده می شود، معمولاً گروه در مدرسه می ماند و تشکیل جلسه می دهد. معمولاً به معلمی که درس را آموزش داده است، اجازه داده می شود اول از همه صحبت کند و نظر خود را درباره چگونگی اجرای درس و مسائل عمده آن اظهار نماید. سپس معلمان دیگر گروه، معمولاً از دیدی انتقادی درباره قسمت هایی از درس که به نظر آنها مشکل داشته است، صحبت می کنند. تمرکز بر درس است نه معلمی که آن را آموزش داده است؛ هر چه باشد، درس محصولی گروهی است و همه اعضای گروه در مورد نتیجه برنامه خود احساس مسئولیت می کنند. در واقع آنها از خود انتقاد می کنند. چنین کاری نه یک ارزشیابی شخصی بلکه فعالیتی است که به بهبود فردی منجر می شود و از همین رو حائز اهمیت است.

مغز مطالعه درس این مرحله است و تمام اعضای گروه، نه فقط معلم، از نتیجه شواهد عینی ارائه شده در جلسه، درباره مطلوبیت موضوع تدریس، مواد آموزشی به کار رفته، روش های آموزشی، مسائل مرتبط با عملکرد معلم، و عکس العمل های فرد دانش آموزان بازخورد دریافت می کنند. به طور کلی در این مرحله بحث ها روی این هدف تمرکز دارند که چه چیزی را، چگونه، و چرا دانش آموزان یاد گرفتند یا یاد نگرفتند.

۷ - ۲ - ۱. مرحله هفتم. تجدید نظر در درس^۹. معلمان گروه پژوهش در کلاس درس با توجه به مشاهدات و بازخورد ها در درس تجدید نظر می کنند. آن ها ممکن است مواد آموزشی، فعالیت ها، سوال ها و مسائل مطرح شده یا همه این موارد را تغییر دهند. تاکید آنها اغلب بر تغییر مواردی است که در جریان کلاس درس شواهد دقیقی مبنی بر ضرورت تغییر آنها یافته اند.

^۸. evaluating the lesson and reflecting on its effects

^۹. revising the lesson

۸- ۲- ۱. مرحله هشتم . آموزش و مشاهده درس تجدید نظر شده^{۱۰}. زمانی که طرح درس

تجدید نظر شده آماده شد، درس در کلاس متفاوتی تدریس می شود. گاهی معلم درس، همان معلم قبلی است ولی در بیشتر موارد معلم دیگری از گروه پژوهشی، تدریس را بر عهده می گیرد.

۹- ۲- ۱. مرحله نهم . ارزشیابی و بازاندیشی مجدد^{۱۱}. در این مرحله معمولاً همه اعضای گروه

در یک جلسه طولانی شرکت می کنند. گاهی یک فرد متخصص از خارج از مدرسه برای شرکت در این جلسه دعوت می شود. همچون دفعه قبل، معلمی که درس را آموزش داده است، اجازه دارد ابتدا درباره آن چه گروه سعی در دستیابی به آن دارد، سخن بگوید و ارزیابی خود را از میزان موفقیت درس و بخش هایی از آن که هنوز به تجدید نظر نیاز دارد، بیان کند. سپس ناظران درس را نقد و تغییراتی را پیشنهاد می کنند. هنگام بحث کردن درباره درس، نه تنها یادگیری و فهم دانش آموزان، بلکه آن دسته از مسایل عمومی که به وسیله فرضیه های اصلی پژوهش در کلاس درس بیان شده اند، مورد توجه قرار می گیرد و بالاخره درباره این که چه چیزی از درس و اجرای آن آموخته شده است، صحبت به میان می آید.

۱۰- ۲- ۱. مرحله دهم. انتشار و سهیم شدن در نتایج^{۱۲}. این فرایند بر یک درس مشخص

متمرکز است ولی چون ژاپن کشوری است که اهداف آموزشی و خط مشی های برنامه درسی ملی معینی دارد، آن چه این گروه معلمان یاد گرفته اند، در ارتباط فوری با سایر معلمان ژاپنی است که می کوشند مفاهیم یکسانی را در همان پایه آموزش دهند. این اشتراک به روش های متعددی اجرا می شود. یکی از روش ها نوشتن گزارش است، بیشتر گروه های مطالعه درس برای بازگو کردن جریان فعالیت گروهی خود گزارشی را تهیه می کنند. روش دیگر سهیم شدن، ارائه نتایج پژوهش کلاس درس در نمایشگاهی و دعوت کردن از معلمان مدارس دیگر برای دیدن آموزش نسخه ی نهایی درس است. این بخش مهمی از پرورش حرفه ای معلمان محسوب شده و معلمان می توانند درباره نوآوری هایی که در مدارس دیگر انجام شده است، مطالبی بیاموزند.

نتیجه گیری:

به نظر می رسد اهداف و روندی که بر درس پژوهی حاکم است با مقداری انعطاف در مراحل و شیوه اجرا با توجه به موضوع و تخصص استادان می تواند روش مناسبی برای تحول در آموزش و یادگیری در آموزش عالی باشد. از جمله تغییراتی که در آموزش عالی قابل اعمال است حذف یا کم رنگ کردن مراحل دوم، سوم، نهم و دهم است. این تغییرات از این روست که استادان محترم معمولاً نیازی به بررسی و مطالعه بیشتر موضوع ندارند چون همه در زمینه تخصصی خود به آخرین دستاوردهای علمی مسلط هستند و در انتخاب موضوعی که قصد دارند آموزش دهند از مهارت لازم برخوردارند. از طرف دیگر ممکن است نیازی به ارزشیابی مجدد و انتشار نتایج نداشته باشند و در مراحل قبلی ادغام کنند.

^{۱۰}. teaching and observing the revised lesson

^{۱۱}. evaluating and reflecting a second time

^{۱۲}. Sharing the results

در مجموع پیشنهاد می شود با معرفی درس پژوهی به استادان محترم و شناخت آن ها از این روش و توجه مضاعف به اهدافی که دنبال می کند ایشان بتوانند با انعطاف پذیری، تغییراتی که صلاح می دانند در این روش ایجاد کنند و گروه هایی تشکیل داده و به تعالی خود، فرایند آموزش و یادگیری در آموزش عالی و دانشجویان کمک کنند. در حال حاضر به نظر می رسد این روند در دروس عمومی به راحتی قابل اجراست.

نظرات ناقدان محترم و پاسخ به آن ها:

۱. درس پژوهی عمدتاً در نظام های متمرکز کاربرد دارد در حالی که در دانشگاه ها نظام متمرکز نداریم و استادان در انتخاب محتوای آموزشی آزادی عمل دارند. مهم تری وجهه تدریس دانشگاهی آزادی انتخاب و عمل استاد است.

در پاسخ می توان گفت در دانشگاه های ما نیز تا اندازه ای نظام متمرکز برقرار است یعنی استاد باید بر اساس سرفصلی که توسط شورای عالی برنامه ریزی و وزارت خانه تنظیم شده است تدریس کند فقط انتخاب منبع با توجه به آن سرفصل به عهده استاد است. با این حال روح درس پژوهی منافاتی با تمرکز یا عدم تمرکز ندارد. چند استاد محترم می توانند با توافق یکدیگر و به منظور رشد و تعالی خود و فرایند آموزش و یادگیری در کلاس درسشان منبع یا موضوع مشخصی را انتخاب کنند و به درس پژوهی بپردازند. یکی از تغییرات مثبتی که این روش می تواند داشته باشد این است که استادان با منابع درسی یکدیگر بیشتر آشنا شده و ممکن است تغییراتی در محتوای آموزشی خود دهند که بسیار مفید باشد. در عین حال که در دروس گروه معارف معمولاً منابع مورد تایید معاونت امور اساتید محدود بوده و استادان مکلف هستند فقط از همان منابع استفاده کنند. یا در برخی دروس عمومی گروه مربوطه در ابتدای هر نیمسال با تشکیل جلسه ای با حضور تمام مدرسان منبع آموزشی را با توافق همه یکسان انتخاب می کنند.

۲. درس پژوهی با جزئیاتی که توضیح داده شده است در دانشگاه ها قابل اجرا نیست.

در پاسخ به این نقد می توان گفت اصلاً تاکید بر اجرای دقیق و مو به موی روش پیشنهادی نیست. درس پژوهی دارای اهداف و روح حاکی است که باید دنبال شود و به خصوص در محیط های دانشگاهی با توجه به تخصص و مهارت استادان باید آزادی عمل بیشتری به آن ها داده شود تا هر تغییری که صلاح می دانند و به تجربه به دست می آورند اعمال کنند و از این بعد اصلاً سختگیری خاصی صورت نگیرد.

۳. در کلاس های دانشگاهی باید سهم زیادی در آموزش به دانشجویان داده شود و آن ها فرصت نقد کردن و بحث و گفتگو در کلاس را داشته باشند و درس پژوهی به این مهم توجه نکرده است.

تاکید درس پژوهی بر نقش بیشتر استادان در کلاس درس نفی فعالیت و نقش دانشجو نیست. این روش بیشتر در جلسات و موضوعاتی توصیه می شود که لازم است دانشجویان با مباحث و موضوعات جدیدی آشنا شوند. اما پس از ارائه موضوع جدید، نحوه دخالت و درگیر کردن دانشجویان یکی از دغدغه های جدی درس پژوهی

است و از طریق این درگیر کردن مشخص می شود که تا چه مقدار دانشجویان به طور صحیحی بر مطالب مسلط شده اند.

۴. کلاس درس عرصه خصوصی معلم است و دخالت در این عرصه نه صلاح است و نه معلمان می پذیرند. علی رغم احترام به این موضوع اغلب از خود استادان شنیده می شود که به جز تجربه تدریس استادان خودشان در دوران تحصیل هیچ وقت نتوانسته اند مشاهده کنند که استادان دیگر به خصوص استادان موفق و ممتاز در کلاسشان چه کار می کنند و چگونه یک موضوعی را طرح یا تدریس می کنند. در اصل درس پژوهی پایانی بر استبداد آموزشی معلم در کلاس درس و باز کردن در کلاس درس به روی همکاران دیگر و استفاده از نظرات و دیدگاه های آن ها در تعالی خود و ارتقای آموزش و یادگیری است. اگر این عرصه خصوصی نه به نفع خود استادان و نه به نفع سیستم آموزشی دانشجویان باشد به نظر می رسد باید تا این اندازه منطقی باشد که به آن پایان دهد، به ویژه با تأکیدی که رویکردهای جدید روانشناسی بر خودارزیابی و دیگر ارزیابی می کنند.

۵. آیا در مقاطع و دوره های دیگر قابل اجرا بوده است و اگر اجرا شده تا چه حد اثرات مثبتی داشته است؟ درس پژوهی در مقاطع دیگر و در کشورهای دیگر به خوبی اجرا شده است و حتی برخی صاحب نظران معتقدند پیشرفت قابل ملاحظه برخی کشورها در ارزیابی های آموزشی بین المللی به خاطر اجرای درس پژوهی است. در کشور خودمان نیز اهمیت این روش در وزارت آموزش و پرورش احساس شده است و فعالیت های قابل توجهی در جهت گسترش آن صورت گرفته است ولی نکته قابل توجه این است که این روش با گسترش از طریق بخشنامه و سیستم اداری منافات دارد و تأکید دارد که این تغییرات باید از مدرسه و کلاس درس آغاز شود.

پایان